

مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و دوم، شماره پیاپی ۸۴،  
بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۸۰-۱۷۱

## نقش زیاد بن عبید در تکمیل تشکیلات اداری امویان\*

هانیه بیک

کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی

Email: hanybeik@yahoo.com

دکتر عباسعلی تفضلی

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

دکتر مهدی جلیلی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

Email: jalili.m12@gmail.com

### چکیده

زیاد بن عبید به عنوان یکی از چهار داهی عرب نقش بسیار مؤثری در تحکیم پایه‌های خلافت اموی داشت. او که فرزند عبید، غلام رومی حارث بن کلدۀ ثقفی و سمیه، کنیز بدنام او بود، پس از استلحاقش به ابوسفیان در سال ۴۴ق در خدمت معاویه قرار گرفت و یک سال بعد به امارت بصره منصوب شد. روش مدیریت زیاد و ویژگی‌های شخصیتی او موجب شد تا در سال ۵۱ق امارت کوفه نیز از سوی معاویه به او واگذار شود. زیاد که سه دهه در دستگاه والیان بصره و سپس در مسند ولایت فارس تجربه‌های بسیاری اندوخته بود، این بار به عنوان نخستین حاکم همه عراق به اقداماتی دست زد که در تکمیل تشکیلات اداری امویان قابل توجه است. اصلاح دیوان عطاء بصره و کوفه، تنظیم امور مالی و مالیاتی، تشکیل و تکمیل دیوان‌های استیفا و خاتم، سازمان‌دهی دیدارهای خلیفه با مردم، کوچاندن عرب‌ها به خراسان و تنظیمات اداری در این ولایت از جمله آن‌هاست.

**کلیدواژه‌ها:** زیاد، بصره، کوفه، دیوان، عراق، امویان، معاویه.

\* . تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۰۴/۲۸؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۹/۱۰/۰۲.

## مقدمه

عده‌ای از مورخان، خلافت اموی را دوره‌ی پی‌ریزی مهم‌ترین نهادهای اداری جهان اسلام دانسته‌اند (سوازه، ۱۴۲) که با اقتباس از روم و به ویژه ایران صورت گرفت (رک. ماوردی، ۲۳۷). تا آن زمان تشکیلات اداری اسلام شکل ساده‌ای از دیوان بود که بنا به ضرورت در زمان خلیفه‌ی دوم پایه‌ریزی شده بود (قدامة بن جعفر، ۴۷؛ نویدی، ۱۹۷/۸). در دوره‌ی امویان با توجه به گسترش فتوحات تعداد دیوان‌ها افزایش یافت و به شکل قابل توجهی تکمیل شد. در این زمینه نقش زیاد بن عبید به عنوان نخستین والی همزمان بصره و کوفه در دوره‌ی خلافت معاویه قابل توجه است. کودک باسوادی<sup>۱</sup> که در آغاز تمصیر بصره همراه با شوهر خواهر خود از طائف به بصره کوچ کرده بود، در دوره‌ی عمر و در دستگاه امارت عتبه بن غزوان جایگاهی برای عرضه‌ی استعدادها و نمایش توانمندی‌های اداری خود یافت و چنان شایستگی نشان داد و در کارش خبره و کارآمد شد که به گفته‌ی بلاذری هیچ گاه از مقام خود پایین نیامد و هر کس والی بصره می‌شد، وی به کار دبیری او مشغول بود (بلاذری، *أنساب الاشراف*، ۲۱۳/۴). واضح است که دامنه‌ی این اشتغال نه به نگارش محدود می‌شد و نه به مشاغل حکومتی، بلکه وی هم برای مردم می‌نوشت و هم امور دیگر وابسته به نگارش، یعنی حساب و کتاب و تهیه‌ی اسناد اموال و املاک را انجام می‌داد (همو، ۱۶۶/۱۹). یکی از ویژگی‌های زیاد، حسن انجام وظیفه و اطاعت محض از مافوق بود؛ و این امر علاوه بر استعداد ذاتی او در فن خطابه و تدبیر امور سیاسی و حکومتی - که او را در کنار معاویه و عمرو بن عاص و مغیره بن شعبه به داهیان عرب مشهور ساخت - باعث شد تا در دوران خلافت سه خلیفه و امارت پنج امیر در بصره مورد توجه قرار گیرد و بی هیچ نگرانی

۱. پیدایش نخستین سازمان اداری در زمان عمر که مسلمانان را وادار به فراگیری اطلاعات و دانش‌های مربوط به محاسبه‌ی جزیه و خراج نمود، انگیزه‌ای برای آموزش کودکان، به ویژه باهوش‌ترها یا از خانواده‌های ثروت‌مند شد. این امر در مورد زیاد که مادرش ایرانی و پدرش رومی بود و در خانه‌ی پزشک دانشمندی چون حارث و در میان قبیله‌ی مشهور ثقیف رشد کرده بود، بسیار طبیعی می‌نماید.

مراحل رشد خود را طی کند و در زمان خلیفه چهارم که عزل و نصب‌ها و مراقبت‌ها دقیق‌تر بود، هم جانشین امیر بصره شود و هم خود به امارت فارس برسد. اما زیاد با نیرنگ مشترک معاویه و مغیره بن شعبه استلحاق خود را به ابوسفیان پذیرفت و با تغییر فاحش در اعتقاد و روش، خود را در خدمت معاویه و در واقع در معرض خلیفه شدن قرار داد،<sup>۱</sup> اما مرگ زود هنگامش در سال ۵۳ ق سبب ناکامی او شد. زیاد هنگامی که در خدمت معاویه قرار گرفت، بیش از سی سال تجربه خود را در اختیار او گذاشت و کوشید تا نام خود را بیش از اسلافش در این زمینه در تاریخ ثبت کند. این مقاله به بررسی اقدامات و اصلاحات او در تکمیل تشکیلات اداری امویان می‌پردازد.

### اصلاح دیوان عطای بصره و کوفه

دو شهر بزرگ بصره و کوفه در ابتدای تأسیس و در زمان خلیفه دوم مقصد مهاجرت‌های اعراب برای استقرار و ایجاد پایگاه‌های نظامی به منظور ادامه فتوحات در مناطق شرقی سرزمین‌های اسلامی گشتند. تسلط بر سرزمین‌های فتح شده و ادامه فتوحات باعث سرازیر شدن ثروت‌ها به خزانه حکومت شد. ثروت‌هایی که باید بخشی به مرکز و بخشی نیز در راه تأمین مالی و تدارکاتی رزمندگان و برای فتح و نگهداری شهرها و آبادی‌های فتح شده، هزینه می‌شد و بخشی نیز به عنوان عطا<sup>۲</sup> میان ساکنان مهاجر تقسیم می‌شد. این تقسیم نیازمند سامانه‌ای برای ثبت و ضبط و نگهداری بود، که بدین منظور ابتدا در زمان عمر دیوان بصره تأسیس شد. بی‌تردید، زیاد که در آن زمان

۱. نگارنده در مقاله «استلحاق زیاد به ابوسفیان: انگیزه‌ها و پیامدها» در دو فصلنامه تخصصی *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۳۸۸ به تفصیل به این موضوع پرداخته است.  
 ۲. عطا یا مستمری مبلغ معینی بود که دولت اسلامی برای رفع نیازهای معیشتی، سالانه به مسلمانان می‌داد(رک. ماوردی، ۲۳۷-۲۳۸).

از معدود افراد با سواد در دستگاه حکومت بصره بود، در این زمینه نقشی مؤثر داشت.<sup>۱</sup> این دیوان مبتنی بر عرافه، یعنی واحد کوچکی از افراد یک قبیله بود و رهبری آن بر عهده شخصی با عنوان عریف بود که وظیفه آرایه آمار و دریافت و پرداخت سهم عطایای قبیله را انجام می داد (علی، *مهاجرت قبایل عربی در صدر اسلام*، ۳۸).<sup>۲</sup> وی علاوه بر این، مسئول حفظ نظم نیز بود. (طبری، ۴۸۱/۲-۴۸۲)؛ زیاد برای هر عریف هزار جنگجو تعیین نمود (علی، *التنظیمات الاجتماعية والاقتصادية فی البصرة فی القرن الأول الهجری*، ۴۹). پس از بصره این تجربه در کوفه به کار رفت. هنگامی که جمعیت مهاجران در هر دو شهر به تدریج افزایش یافت، معیارهای سهمیه‌بندی و تقسیم، پاسخ‌گویی وضع جدید نبود و حذف نام درگذشتگان و افزودن نام تازه واردان، به ویژه با توجه به این که عطایا بر پایه زمان مهاجرت دریافت کننده آن به عراق پرداخت می‌شد، بازنگری و بازنویسی دیوان را ایجاب می‌کرد. در زمان علی (ع) برخی مشکلات و نارسایی‌های دیوان عطا آشکار شد، اما رویه آن حضرت در تقسیم عادلانه نبود فرصت برای تغییر، باعث شد که بازنگری در آن به تعویق بیفتد. هنگامی که زیاد از سوی معاویه به حکومت بصره منصوب شد، در دیوان عطا تغییراتی انجام داد؛ از آن جمله نام خوارج را حذف کرد و بر اساس واقعیت‌های موجود و البته با نوع نگاه و سلیقه خود، دیوان بصره را اصلاح و بازنویسی کرد. (همو، *التنظیمات*، ۴۹) وقتی که او بعد از مرگ مغیره بن شعبه به امارت کوفه رسید، دیوان کوفه را نیز همانند بصره تغییر داد، با این تفاوت که قبایل دارای تبار مشترک را به گروه‌های قبیله‌ای بزرگتر تقسیم کرد، به طوری که در بصره پنج گروه و در کوفه چهار گروه تشکیل شد؛ این گروه‌ها در

۱. یعقوبی زیاد را نخستین کسی می‌داند که دیوان‌ها را فراهم ساخت و نسخه برداشتن از نامه‌ها را معمول کرد (یعقوبی، ۲۰۹/۲).

۲. در حالی که نوشته‌های نویسندگان متأخر غالباً خالی از تحلیل‌ها و نظرات روزآمد و بیشتر نقل قول یا شرح و توضیح مختصر منابع متقدم است، صالح احمد علی از معدود افرادی است که کارش حاکی از دقت و باریک بینی و عمق قابل توجهی بوده و بررسی‌های او انتقان و استحکام و انتظام خاصی دارد. از دو کتاب *مهاجرت قبایل عربی در صدر اسلام و التنظيمات* او در این نوشتار استفاده شده است.

بصره خمس و در کوفه ربع خوانده می‌شدند و به آنها اخماس و ارباع می‌گفتند (الراوی، ۸۵ - ۸۶؛ علی، *التنظیمات*، ۵۲ - ۵۴).<sup>۱</sup>

اصلاح به این صورت از جهتی به زیاد کمک می‌کرد که بر فهرست و دفاتر عطایای قبایل، اشراف بیشتری داشته باشد و تهدیدات خود را مبنی بر قطع یا کاهش سهمیه آنان در صورت عدم همکاری با حکومت یا کمک و پناه دادن به مخالفان، با سهولت اجرا کند.

در امارت زیاد مردم تا قبل از دهم محرم عطای سالانه و قبل از رؤیت هلال ماه بعد مقرری جنسی ماهانه خود را دریافت می‌کردند (بلاذری، *أنساب الأشراف*، ۲۲۷/۵). او همچنین مکانی به عنوان «مدینه الرزق» بنا کرد که شامل تعدادی خانه با امکانات اولیه زندگی و مواد غذایی کافی برای استفاده درماندگان و بینوایان بود تا در پی دزدی نباشند (نویری، ۸۴/۷).

### تنظیم امور مالی و مالیاتی

یکی از اقدامات زیاد همانند قبل به کارگیری موالی در گرفتن خراج بود (طبری، ۱۵۸/۶؛ یعقوبی، ۲۰۹/۲؛ بلاذری، *أنساب الأشراف*، ۲۴۱/۴). این کار دست کم از دو جهت به نفع دولت بود، یکی آن که آنان غالباً با مقیاس‌ها و معیارهای سنجش آب و زمین و محصولات کشاورزی و درآمدهای بومیان آشنا و به اصطلاح خبره بودند، دیگر آن که حقوق و دستمزد کمتری به آنان تعلق می‌گرفت و از جهت مالی تحت کنترل بودند. از جمله کارهایی که موالی عهده دار بودند و دستی در آن داشتند، وظایفی بود که نیاز به حساب و کتاب داشت، یعنی وظایف نهادهای اداری و اقتصادی دولت یا به تعبیر آن روز، دیوان‌ها. یعقوبی نیز با نقل سخن زیاد که می‌گفت: «کاتبان خراج باید از

۱. زیاد از شصت میلیون درهم بصره، سی و شش میلیون به رزمندگان و شانزده میلیون به اشخاص می‌داد و دو میلیون برای مخارج حکومت صرف می‌کرد و نیز دو میلیون برای مقابله با بلایا و حوادث احتمالی در بیت المال باقی می‌گذاشت و دو سوم چهار میلیون باقی مانده را برای معاویه می‌فرستاد (همو، *التنظیمات*، ۱۵۰).

بزرگان عجم باشند که بر کار خراج آگاهی دارند»، گفته است که کارمندان با تجربه مسئول دیوان خراج بودند (یعقوبی، ۲۰۹/۲).

از دیگر اصلاحات زیاد در این زمینه، الزام مردم به پرداخت کسور بود (ماوردی، ۷۷). کسور عبارت بود از تتمه‌ها و اموال باقی مانده ناشی از تفاضل پول‌های رایج. مردم در آغاز حکومت بنی‌امیه، با نقودی داد و ستد می‌کردند که وزن‌های مختلف داشت؛ بخشی از آنها نقود ساسانی بود و بعضی قیصری. از این رو خراج گزاران ترجیح می‌دادند خراجی را که بر ذمه آنان بود با پول کم ارزش پرداخت کنند. در نتیجه مردم رو به فساد آوردند؛ خراج گزاران با درهم طبری که چهار دانگ بود، خراج خود را می‌پرداختند و درهم تمام عیار را که وزن آن وزن مثقال بود، نگه می‌داشتند (الریس، ۲۳۸). زیاد که والی عراق شد، درهم تمام عیار مطالبه کرد و مردم را به پرداخت کسور ملزم ساخت (ماوردی، ۷۷). زیاد همچنین برای نخستین بار نقودی به وزن صحیح یعنی سبعة ضرب کرد (مقریزی، ۳۱).<sup>۱</sup>

یکی دیگر از اقدامات اصلاحی زیاد در اندازه‌گیری سواد عراق، تعیین طول ذراعی بود که به نام خودش «زیادی» معروف شد.<sup>۲</sup> قلقتندی در صبح الاعشی به نقل از زجاجی آورده است:

«و آغاز وضع ذراع برای اندازه‌گیری اراضی، زمانی بود که معاویه، زیاد بن ابیه را والی عراق کرد و او تصمیم گرفت عراق را مساحی کند. او سه مرد را فراخواند که یکی بلند قد، دیگری کوتاه و سومی متوسط القامه بود. زیاد طول ذراع آنها را جمع کرد و یک سوم آن را مقیاسی برای اندازه‌گیری اراضی قرار داد؛ و همین به نام ذراع زیادی

۱. بلاذری حارث بن عبد الله بن ابی ربيعة مخزومی را در دوره ابن زبیر، نخستین کس در ضرب درهم سبعة می‌داند (فتوح البلدان، ۴۷۳). منابع درباره زمان تعیین مقدار درهم شرعی که در دوره عمر انجام گرفت یا زمان ضرب سکه اسلامی توسط عبدالملک مشخص شد، اختلاف دارند. ابن خلدون و ماوردی قول نخست را ترجیح داده‌اند (ابن خلدون، مقدمه، ۵۰۰/۱ - ۵۱۵؛ ماوردی، ۷۶-۷۷)، اما عمر نقود جدیدی با این وزن ضرب نکرد. وزن درهم نیز ناقص بود؛ یعنی فقط وزن سته بود که هر ده درهم با شش مثقال برابر می‌شد (مقریزی، ۳۰).

۲. ماوردی ذراع را هفت گونه دانسته است به نام‌های ذراع یوسفی، سوداء، هاشمی صغری یا بلالی، هاشمی کبری یا زیادی، عمری و میرانی (ماوردی، ۱۷۳-۱۷۴).

معروف است، زیرا تعیین آن به فرمان زیاد بود. این مقیاس تا زمان بنی عباس باقی بود. آنها ذراعی درازتر از آن تعیین کردند که به نام هاشمیه خوانده شد، زیرا ایشان از بنی هاشم‌اند» (قلقشندی، *صبح الأعشى*، ۴۴۷/۳).

در مورد موالی، علاوه بر تصدی خراج و امور حسابداری و اداری،<sup>۱</sup> به کارگیری آنان در تجارت و کشاورزی نیز رایج شد و کارهای یدی و تجارت غالباً به موالی و بندگان اختصاص داشت (جوده، ۲۱۰).

موالی از راه خریدن یا اقطاع، صاحب زمین نیز می‌شدند. زیاد به مولای خود، مسمار، در بصره زمینی به اقطاع داده بود (بلاذری، *فتوح البلدان*، ۳۷۱) یا به توصیه عایشه، به یکی از موالی عبدالرحمن بن ابی بکره زمینی به مساحت صد جریب به اقطاع داد (همو، ۳۶۸). حتی برخی موالی صاحب دهکده و مزرعه می‌شدند. اسامی نهرها و آبادی‌های برگرفته از نام اشخاص که در بسیاری موارد شامل موالی نیز می‌شد، حاکی از کثرت اقطاعات آنان است؛ چنان که در میان نام‌های نافعان، عبد الرحمانان، فیلان، ازرقان، حمرانان، مسماریه و مانند آنها، فیلان و مسماریه به ترتیب مربوط به فیل و مسمار از موالی زیاد و یا نهر شداد منسوب به ابو شداد مولای زیاد بود (همو، ۳۷۰-۳۷۱).

روایتی از مدائنی است که می‌گوید زیاد در ناحیه شط جَموم زمینی را که به زیادان منسوب بود، در اختیار داشت. وی روزی به عبدالله بن عثمان گفت: «من مردم را زمینی می‌دهم که در آبادانی آن بکوشند». او هر قطعه زمین را به مدت دو سال به کسی می‌سپرد؛ اگر آن را آباد می‌کرد، در اختیار وی باقی می‌گذاشت، وگرنه آن را بازپس می‌گرفت (همو، ۳۷۰).

۱. کاتب زیاد در عراق در امور خراج، زادن فروخ بود؛ او یکی از مترجمان مشهور ایرانی بود که پس از زیاد همچنان ریاست دیوان عراق را در زمان عبیدالله بن زیاد و حجاج بن یوسف ثقفی بر عهده داشت و سرانجام در شورش عبدالرحمن بن اشعث در سال ۸۲ ق (طبری، ۳۴۲/۶) کشته شد (جهشیاری، ۲۶؛ جاحظ، ۲۶۶/۱).

### تشکیل و تکمیل دیوان‌های استیفا و خاتم

دیوان استیفا و دیوان خاتم تفاوت کاربردی داشتند. دیوان استیفا تشکیلاتی برای حساب و کتاب درآمدهای دولت و تقسیم آن میان مردم بود که در زمان عمر وجود داشت و در زمان معاویه تغییراتی کرد و پس از او تشکیلات کاملی یافت (دنت، ۶۴-۶۶)؛ اما دیوان خاتم در زمان خلافت معاویه و هنگامی که زیاد والی بصره بود، ایجاد شد. مسلماً تشکیل هیچ کدام از این دو را نمی‌توان به زیاد نسبت داد، اما با توجه به نوع تجربه زیاد در امور مالی و دیوانی و نیز تغییراتی که در دوران معاویه، هم در عایدات و هم در هزینه‌ها و پرداخت‌های دستگاه حاکم صورت گرفت، نقش زیاد را در تکمیل دیوان استیفا و تأسیس دیوان خاتم برای معاویه نمی‌توان نادیده گرفت. دلیل دنت در این باره می‌نویسد که معاویه را باید به عنوان نخستین سازمان دهنده و موجد بوروکراسی عرب نام برد. وی به کمک زیاد در شرق و سرجون بن منصور رومی در غرب،<sup>۱</sup> وزارت دارایی را به معنی امروزی آن ایجاد کرد (همو، ۶۴).

ایجاد دیوان خاتم را هم به معاویه نسبت داده‌اند و هم به زیاد (قدامه بن جعفر، ۵۵-۵۶). فرمان خلیفه پیش از صدور در این دیوان نسخه برداری می‌شد و پس از آن توسط رئیس دیوان با خاتم خلیفه مهر و در آنجا نگهداری می‌شد؛ سپس اصل فرمان را به مقصدی که باید می‌فرستادند (صولی، ۱۳۴). درباره تشکیل آن آمده است که معاویه برای عمرو بن زبیر صد هزار درهم به زیاد حواله کرد، عمرو نامه را گرفت و رهسپار شد و چون نامه‌ها در آن زمان مهر و موم نمی‌شد، آن را خواند و صد را دوپست کرد؛ چون زیاد صورت حساب خویش را برای معاویه فرستاد، معاویه آن را انکار کرد و گفت من بیش از صد هزار درهم حواله نکردم و صد هزار درهم زیادی را از عمرو پس گرفت و او را زندانی ساخت و دیوان خاتم را وضع کرد (طبری، ۲۶۴/۳؛ جهشیاری،

۱. او کاتب معاویه در امر خراج و کارگزار او در امر حکومت دمشق بود (طبری، ۱۸۳/۶؛ ابن اثیر، ۳/۴؛ جهشیاری، ۲۴).



۲۴؛ قلقشندی، *مآثر الانافة فی معالم الخلافه*، ۳۴۲).<sup>۱</sup> اما مدائنی از مسلمة بن محارب روایت می کند که: «زیاد بن ابی سفیان نخستین کسی بود که در میان عرب به تقلید از شاهان پارسی، دیوان زمام و خاتم بنا نهاد» (بلاذری، *فتوح البلدان*، ۴۵۰). بنابراین می توانیم بگوییم که نیاز و درخواست معاویه و همکاری زیاد با او دو علت اساسی در ابداع و تکمیل این دو تشکیلات حکومتی بوده است.

### سازمان‌دهی دیدارهای خلیفه با مردم

در روزگار خلفای راشدین مانعی برای دیدار با خلیفه وجود نداشت (ابن خلدون، ۴۵۵/۱)، اما در دوره امویان، معاویه با تأثیر از پادشاهان ایران، حجابیت را به شکل منصبی اجتماعی درآورد.<sup>۲</sup> به این ترتیب ملاقات با خلیفه مقررات خاصی یافت که به موجب آن، مقام و نسب اشخاص رعایت می شد. نخستین بار زیاد، معاویه را به این موضوع متوجه ساخت، به نحوی که برای ملاقات خلفا به ترتیب، نسب، سن و علم و ادب ملاک تقدم و تأخر افراد شد. خود زیاد نیز حاجبی داشت و چهار کس را بدون رعایت وقت و مقام بار می داد. وی به حاجب خود گفت: «تو را به امر حاجبی درگاه خود برگزیدم، اما از ورود چهار کس نزد من هرگز ممانعت نکن؛ اول مؤذن نماز که به سوی خدا دعوت می کند؛ دوم دهقان که هر گاه خواست باید مرا ببیند؛ سوم پیکی که شب از جایی می رسد و نیز قاصد مناطق مرزی که اگر ساعتی از کار باز بماند، به قدر یک سال ضرر می رساند و تو وظیفه داری ایشان را به دیدار من بیاوری، حتی اگر در

۱. ابن طباطبا می گوید: دیوان مهرداری از بزرگترین دیوان‌ها به شمار می رفت و سنت دیوان مذکور تا اواسط دوره عباسی دوام داشت. دیوان خاتم بدان معنی بود که اداره‌ای وجود داشته است و عده‌ای متصدی آن بوده‌اند. هرگاه خلیفه در موردی امضایی می کرد، نامه یا فرمان امضا شده به دیوان خاتم برده و نسخه‌ای از آن در دیوان ثبت و اصل آن مهر و موم می شد، همان گونه که امروز نامه‌های قضات مهر و موم می شود، و سرانجام با مهر رئیس آن دیوان مهر می شد (ابن طباطبا، ۹۷).

۲. معاویه در شبانه روز پنج مرتبه بار عام می داد (مسعودی، ۳۹/۳).

حال استراحت باشم و دیگر خوانسالار و متصدی غذا، تا مبادا غذا فاسد شود» (ابن عبدربه، ۷۱/۱).

### کوچاندن عرب‌ها به خراسان و تنظیمات اداری در این ولایت

کوچ دادن مهاجران به بصره و کوفه و سپس به شهرهای ایران، موضوع گسترده‌ای است که پرداختن به آن مجال بیشتری می‌خواهد، اما به طور کلی و براساس آنچه از متون تاریخی مربوط به آن زمان بر می‌آید، مهاجرت رزمندگان و خانواده‌های آنان از حجاز به عراق، نخستین قدم برای گسترش دامنه فتوحات شرق بود. گام دوم، کوچاندن و اسکان عرب‌ها به مناطق شرقی ایران مانند خراسان بود، که این امر در زمان زیاد به وقوع پیوست.

هنگامی که زیاد به حکومت بصره رسید، با توجه به وجود ناآرامی‌ها در بصره، اقدام به گسیل ناراضیان به خراسان نمود تا هم مشکل بصره را حل کند و هم حکم بن عمرو غفاری را که در سال ۴۵ ق به حکومت خراسان و فرماندهی سپاه بصره برای پیشروی در آن ناحیه برگزیده بود، تقویت نماید (طبری؛ ۲۰۴/۳) کاری که قبل از او عبدالله بن عامر و حارث بن عبدالله ازدی نخواستند یا نتوانسته بودند انجام دهند. این نخستین اعزام و اسکان اعراب به خراسان بود که با مدیریت زیاد انجام شد. مشکل ناراضیانی در بصره تا حدودی حل شد و ثبات و پیشروی در خراسان نیز ادامه یافت، اما کار زیاد در این زمینه هنوز تمام نشده بود؛ وی آنگاه که پس از مرگ مغیره بن شعبه در سال پنجاهم هجری حکومت کوفه را نیز به دست آورد، مهاجرت قبایل عرب به خراسان را سرعت و گسترش داد. او برای اداره امور خراسان نیز نظامی دائمی وضع کرد یعنی خراسان را به چهار قسمت تقسیم و برای هر قسمت والی تعیین نمود. او ابن احمر را بر مرو، خلیلد بن عبدالله حنفی را بر ابرشهر، قیس بن هیثم را بر مرو رود و طالقان و فاریاب و نافع بن خالد طاحی را بر هرات و بادغیس و پوشنگ و قادس

منسوب کرد، و بدین وسیله زمینه استقرار و اسکان دایمی اعراب را در خراسان فراهم کرد و نخستین بار شهر مرو محل سکونت اعراب شد (همو، ۲۰۰۳/۳؛ بلاذری، *فتوح البلدان*، ۴۱۰ و ۴۱۶). زیاد نخستین کسی بود که امور خراسان را استوار کرد و آن را پایگاهی مهم برای جنگ با شهرهای ماوراءالنهر و مکانی ثابت برای عرب قرار داد که پس از آن از مهم‌ترین اقلیم‌های دولت اسلامی شد (الریس، ۱۸۴).

زیاد بیست و پنج هزار نفر از مردم بصره را به سرپرستی ربیع بن زیاد حارثی و بیست و پنج هزار نفر از مردم کوفه را به سرپرستی عبدالله بن عقیل به سوی خراسان روانه کرد و با عزل غالب بن فضیله از حکومت خراسان، آن را به ربیع بن زیاد داد. این مهاجرت‌ها گرچه بعدها نیز ادامه یافت، اما نقش زیاد در نخستین اقدام گسترده و سازمان یافته که در دو مرحله و در سال‌های ۴۷ و ۵۱ ق صورت گرفت (طبری، ۲۳۵/۳-۲۳۶)، قابل توجه است.

### کتابشناسی

- ابن اثیر، عز الدین ابی الحسن علی بن عبد الواحد شیبانی، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ق، ۱۹۷۸م.
- ابن خلدون، *ابوزید عبدالرحمن بن محمد، مقدمه*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
- ابن سعد، ابو عبدالله محمد بن سعد، *طبقات*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۹.
- ابن طباطبا، محمد بن علی، *تاریخ فخری در آداب ملکداری و دولت‌های اسلامی*، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ابن عبد ربه الاندلسی، ابی عمر احمد بن محمد، *العقد الفرید*، بیروت، دارالکتب العربیه، بی تا.

- بلاذری، ابی الحسن احمد بن یحیی بن جابر، *أنساب الأشراف*، بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۴م.
- \_\_\_\_\_، *فتوح البلدان*، قاهره، شركة الكتب العربيه، ۱۳۱۷ق.
- جاحظ، عمرو بن بحر، *البيان و التبیین*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۶۸م.
- جهشیاری، محمد بن عبدوس، *الوزراء و الكتاب*، قاهره، مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده، ۱۳۵۷ق، ۱۹۳۸م.
- جوده، جمال، *اوضاع سیاسی اجتماعی موالی در صدر اسلام*، ترجمه مصطفی جباری و مسلم زمانی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲.
- دنت، دنیل، *مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام*، ترجمه محمد علی موحد، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۴.
- الراوی، ثابت اسماعیل، *العراق فی العصر الاموی من ناحیه السياسیه و الاداریة و الاجتماعیه*، بغداد، مکتبه النهضة، ۱۹۶۵م.
- الریس، ضیاءالدین، *خراج و نظام های مالی دولت های اسلامی*، ترجمه فتحعلی اکبری، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۳.
- سوازه، ژان، *مدخل تاریخ شرق اسلامی*، ترجمه نوش آفرین انصاری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- صولی، ابوبکر محمد بن یحیی، *ادب الكتاب*، به کوشش محمد بهجة الاثری، قاهره، بی نا، ۱۳۴۱ق.
- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الطبری*، بیروت، دار الكتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
- علی، صالح احمد، *التنظیمات الاجتماعیه و الإقتصادیه فی البصرة فی القرن الأول الهجری*، بیروت، دارالطلیعه، ۱۹۶۹م.
- \_\_\_\_\_، *مهاجرت قبایل عربی در صدر اسلام*، ترجمه هادی انصاری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.

- قدامة بن جعفر، ابوالفرج، *كتاب الخراج و صنعة الكتابه*، به كوشش حسين خديو جم، تهران، بنياد فرهنگ ايران، ۱۳۵۳.
- قلقشندی، ابی العباس احمد بن علی، *صبح الأعشى فى صناعة الإنشاء*، قاهره، دارالکتب الخديويه، ۱۳۳۲ق / ۱۹۱۴م.
- \_\_\_\_\_، *مآثر الانافة فى معالم الخلافة*، الكويت، بی نا، ۱۹۶۴م.
- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبيب، *احكام السلطانية و الولايات الدينيه*، قاهره، مطبعة مصطفى البابى الحلبي، ۱۳۸۰ق.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسين، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، قاهره، مطبعة مصطفى البابى الحلبي و اولاده، ۱۳۸۶ق.
- مقریزی، احمد بن علی، *النقود الإسلامية المسمی بشذور العقود فى ذكر النقود*، بی جا، المكتبة الحيدريه و مطبعها، ۱۳۸۷ق.
- نویری، شهاب الدين احمد بن عبدالوهاب، *نهاية الإرب فى فنون الأدب*، مصر، المؤسسة المصرية العامة، بی تا.
- يعقوبی، احمد بن ابی يعقوب، *تاريخ يعقوبی*، ترجمه محمد ابراهيم آيتى، تهران، انتشارات علمى و فرهنگى، ۱۳۷۴.